



Father Involvement and Family Resilience: A Systematic Review of the Past Decade

Triatno Yudho Prabowo ^{1*}, Mohd Azrin Mohd Nasir ¹, Norazlina Zakaria ¹

1. School of Applied Psychology, Social Work and Policy, Universiti Utara Malaysia, Malaysia.

*Corresponding Author: School of Applied Psychology, Social Work and Policy, Universiti Utara Malaysia, Malaysia.
Email: triatnoprabowo@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Systematic Review Article

Article History:
Received: 22 Dec 2025
Revised: 28 May 2026
Accepted: 29 Jun 2026
Published: 02 Oct 2026

Keywords:
Father Involvement,
Family Psychology,
Family Resilience,
Parenting,
Systematic Review.

ABSTRACT

The objective of this systematic review was to identify, evaluate, and synthesize empirical psychological studies that examined the relationship between father involvement and family resilience. A systematic review design that was guided by PRISMA was implemented. The study population was composed of full-text psychology articles in English that were indexed in PubMed, PsycINFO, Scopus, ScienceDirect, and JSTOR. The literature search was conducted on December 22, 2024, and it encompassed publications from January 2014 to December 2024. Seven eligible studies were selected from 1,140 records through duplicate removal, predefined inclusion and exclusion criteria, full-text eligibility assessment, and methodological quality appraisal. The sample contained these studies. Purposive screening was implemented to identify studies that were pertinent to father involvement, family resilience, and acceptable methodological quality. These instruments comprised Walsh's family resilience framework, the Critical Appraisal Skills Program checklist, and the PRISMA flow framework. Organizational patterns, communication processes, and family belief systems were employed to guide thematic narrative synthesis in the analysis of data. There was no meta-analysis conducted, so statistical software was not employed. The results indicated that father involvement was positively associated with family resilience through adaptive family organization, supportive communication, shared meaning-making, and stability during crises. The review concludes that fathers should be incorporated into family-based interventions, clinical practice, and future psychological research as active relational resources that enhance adaptive functioning across diverse families.

Cite this article: Prabowo, T. Y., Mohd Nasir, M. A. and Zakaria, N. (2026). Father Involvement and Family Resilience: A Systematic Review of the Past Decade. *Journal of Applied Psychological Research*, 17(3), 19-38. doi:10.22059/japr.2026.407170.645459



© Author(s) retain the copyright.
DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2026.407170.645459>

Publisher: University of Tehran Press.

مشارکت پدر در فرزندپروری و تاب آوری خانواده: مرور نظام مند پژوهش های دهه اخیر

تریاتنو یودهو پرابوو^{۱*}✉، محمد آذرین محمد نصیر^۱✉، نورازلینا زکریا^۱✉

۱. دانشکده روانشناسی کاربردی، مددکاری اجتماعی و سیاست، دانشگاه اوتارا مالزی، مالزی.

*نویسنده مسئول: دانشکده روانشناسی کاربردی، مددکاری اجتماعی و سیاست، دانشگاه اوتارا مالزی، مالزی. رایانامه: triatnoprabowo@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مروری نظام مند

تاریخ های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۱۰

کلیدواژه ها:

تاب آوری خانواده،

روان شناسی خانواده،

فرزند پروری،

مرور نظام مند،

مشارکت پدر در فرزندپروری.

هدف از این مرور نظام مند، شناسایی، ارزیابی و تلفیق یافته های پژوهش های تجربی حوزه روان شناسی درباره ارتباط میان مشارکت پدر در فرزندپروری و تاب آوری خانواده بود. پژوهش براساس دستورالعمل PRISMA انجام گرفت. جامعه مورد بررسی شامل مقالات تمام متن انگلیسی در حوزه روان شناسی بود که در پایگاه های PubMed، PsycINFO، Scopus، ScienceDirect و JSTOR نمایه شده بودند. جستجوی منابع در ۲۲ دسامبر ۲۰۲۴ انجام شد و مقالات منتشر شده از ژانویه ۲۰۱۴ تا دسامبر ۲۰۲۴ را دربرگرفت. پس از حذف موارد تکراری، اعمال معیارهای ورود و خروج، ارزیابی متن کامل مقالات و بررسی کیفیت روش شناختی، در نهایت هفت مطالعه واجد شرایط برای سنتز نهایی انتخاب شدند. غربالگری مطالعات به صورت هدفمند انجام گرفت تا پژوهش هایی که به مشارکت پدر، تاب آوری خانواده و کیفیت روش شناختی مطلوب می پرداختند، شناسایی شوند. ابزارهای مورد استفاده شامل چارچوب جریان PRISMA، چک لیست برنامه مهارت های ارزیابی انتقادی (CASP) و چارچوب تاب آوری خانواده والش بود. داده ها از طریق سنتز روایتی مضمون محور و براساس سه مؤلفه الگوهای سازمانی، فرایندهای ارتباطی و نظام باورهای خانواده تحلیل شدند. از آنجا که فراتحلیل انجام نگرفت، از نرم افزارهای آماری استفاده نشد. یافته ها نشان داد مشارکت فعال پدر از طریق تقویت سازمان دهی سازگارانۀ خانواده، ارتباطات حمایت گرانه، معنابخشی مشترک و حفظ انسجام خانواده در شرایط بحرانی، با افزایش تاب آوری خانواده همراه است. براین اساس، پیشنهاد می شود پدران به عنوان منبعی فعال و اثرگذار در روابط خانوادگی، در مداخلات خانواده محور، خدمات بالینی و پژوهش های آینده حوزه روان شناسی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند.

استناد: پرابوو، ت. ی.، محمد نصیر، م. آ. و زکریا، ن. (۱۴۰۵). مشارکت پدر در فرزندپروری و تاب آوری خانواده: مرور نظام مند پژوهش های دهه اخیر. فصل نامه پژوهش های کاربردی

روانشناختی، ۱۷ (۳)، ۱۹-۳۸. doi:10.22059/japr.2026.407170.645459

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران

DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2026.407170.645459>

© نویسندگان.



۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، تاب‌آوری خانواده^۱ به یکی از مفاهیم پرکاربرد در روان‌شناسی خانواده تبدیل شده است؛ به‌ویژه در تبیین چگونگی مواجهه خانواده‌ها با بحران‌ها و شرایط دشوار. تاب‌آوری خانواده فرایندی پویا و نظام‌مند تلقی می‌شود که در بستر تعاملات تنظیم‌کننده میان اعضای خانواده شکل می‌گیرد و رشد می‌یابد (مکفی و همکاران^۲، ۲۰۱۵؛ مستن^۳، ۲۰۱۸). در چارچوب نظری والش^۴، تاب‌آوری حاصل تعامل میان خرده‌نظام‌های خانواده است (والش، ۲۰۰۶). از دیدگاه او، تاب‌آوری خانواده بر سه مؤلفه اصلی استوار است: الگوهای سازمانی^۵، فرایندهای ارتباطی^۶ و نظام باورهای خانواده^۷. کیفیت روابط زوجین می‌تواند به تثبیت الگوهای سازمانی خانواده کمک کند و شیوه‌های فرزندپروری نیز در شکل‌گیری ارتباطات و خلق معناهای مشترک در خانواده نقش اساسی دارند. از این‌رو، بررسی نقش والدین برای درک چگونگی شکل‌گیری و تداوم تاب‌آوری در نظام خانواده ضروری به‌نظر می‌رسد.

در مطالعات سال‌های اخیر، پدران بیش از گذشته به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تقویت تاب‌آوری خانواده شناخته شده‌اند. این تغییر، بازتابی از دگرگونی‌های اجتماعی طی چند دهه اخیر است؛ به‌گونه‌ای که امروزه از پدران انتظار می‌رود نقش فعال‌تری در تعاملات خانوادگی و فرزندپروری^۸ ایفا کنند (ایوانز و جاکیل^۹، ۲۰۲۵؛ لاپه‌گورد و کورنستاد^{۱۰}، ۲۰۲۰). در نتیجه، مشارکت پدر^{۱۱} دیگر امتیازی اضافی در زندگی خانوادگی نیست، بلکه به‌عنوان بخشی از مسئولیت‌های طبیعی او در خانواده شناخته می‌شود (فلدمن^{۱۲}، ۲۰۲۳؛ گارسیا و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۲). مشارکت پدر سازه‌ای چندبعدی است که ابعادی مانند درگیربودن^{۱۴} در تعامل با فرزند، دردسترس‌بودن^{۱۵} و مسئولیت‌پذیری^{۱۶} را دربرمی‌گیرد (کابرا^{۱۷}، ۲۰۲۰؛ ولینگ و پالکوویتز^{۱۸}، ۲۰۲۱). پژوهش‌های متعددی نیز نشان داده‌اند مشارکت پدر پیامدهای مطلوبی برای فرزندان دارد؛ از جمله ارتقای عملکرد تحصیلی، کاهش مشکلات رفتاری و تقویت دلبستگی (لیو و همکاران^{۱۹}، ۲۰۲۵؛ پراتیوی و همکاران^{۲۰}، ۲۰۲۵). همچنین آرامش رفتاری پدر، تعیین قوانین روشن، شوخ‌طبعی و ایفای نقش حمایتی می‌تواند از تبدیل تنش‌های روزمره به مشکلات جدی‌تر در خانواده جلوگیری کند (گارسیا و همکاران، ۲۰۲۲). گزارش‌های یونیسف^{۲۱} از جمله وضعیت کودکان جهان در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ نیز بر آثار مثبت مشارکت والدین در رشد و سلامت کودکان تأکید کرده‌اند.

بااین‌حال، اهمیت مشارکت پدر به رشد کودک محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد گسترده‌تری از کارکرد خانواده را نیز دربرمی‌گیرد. حضور و مشارکت فعال پدر می‌تواند آمادگی خانواده را برای مواجهه با بحران‌ها افزایش دهد، به فرزندان در غلبه بر مشکلات کمک کند و احتمال تعارضات زناشویی را کاهش دهد (هان و همکاران^{۲۲}، ۲۰۲۵؛ مالت و همکاران^{۲۳}، ۲۰۲۰). حضور پدر در جریان زندگی روزمره، افزون بر آنکه احساس رضایت و امنیت را در فرزندان تقویت می‌کند، به استحکام پیوندهای خانوادگی و افزایش تاب‌آوری

1. Family Resilience
2. MacPhee et al.
3. Masten
4. Walsh
5. organizational patterns
6. communication processes
7. family belief systems
8. child-rearing
9. Evans & Jakiela
10. Lappegård & Kornstad
11. father involvement
12. Feldman
13. Garcia et al.
14. engagement
15. accessibility
16. responsibility
17. Cabrera
18. Volling & Palkovitz
19. Liu et al.
20. Pratiwi et al.
21. United Nations Children's Fund (UNICEF)
22. Han et al.
23. Mallette et al.

خانواده نیز می‌انجامد؛ وضعیتی که در مطالعات روان‌شناسی از آن با عنوان نظام خانواده تاب‌آور^۱ یاد می‌شود. این دیدگاه با ابعاد اساسی مدل تاب‌آوری خانواده والش، به‌ویژه سازمان‌یافتگی سازگاران^۲ و ارتباطات اثربخش^۳، همخوانی دارد.

با وجود این، بخش عمده پژوهش‌های مربوط به مشارکت پدر بر پیامدهای رشدی کودکان متمرکز بوده‌اند. در مقابل، مطالعات حوزه تاب‌آوری خانواده بیشتر به فرایندهای کلان نظام خانواده پرداخته‌اند و سهم مستقل پدر را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. این وضعیت می‌تواند به کم‌رنگ شدن جایگاه پدر به‌عنوان عاملی متمایز در چارچوب تاب‌آوری خانواده منجر شود (بزرکوا و سامویلو^۴، ۲۰۲۳). افزون بر این، مرور پژوهش‌های دهه گذشته (۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴) نشان می‌دهد تمرکز مطالعات از صرف حضور پدر، به بررسی ابعاد عمیق‌تری مانند حمایت عاطفی، مشارکت فعال در امور خانه و نقش‌آفرینی در فرزندپروری تغییر یافته است. این تغییر جهت در مطالعات تاب‌آوری خانواده نیز بازتاب یافته و پژوهش‌های جدید بیش از پیش بر اهمیت شکل‌گیری رویه‌های سازگاران^۵، حل مسئله مشارکتی^۶ و روابط اجتماعی و اجتماعی‌محور^۷ تأکید دارند. با توجه به این تحولات، انجام یک مرور نظام‌مند ضروری به‌نظر می‌رسد تا یافته‌ها به‌صورت منسجم تلفیق، روندهای نوظهور شناسایی و نقاط توافق و اختلاف پژوهش‌های منتشرشده در این بازه زمانی به‌دقت بررسی شوند.

اگرچه تاکنون پژوهش‌های متعددی به بررسی مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده، هریک به‌عنوان سازه‌ای مستقل، پرداخته‌اند، مرورهای پیشین عمدتاً بر پیامدهای مرتبط با کودک یا فرایندهای کلی خانواده متمرکز بوده‌اند و نقش مشارکت پدر را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تاب‌آوری خانواده در چارچوب روان‌شناختی کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. مطالعه حاضر با هدف پرکردن این خلأ پژوهشی، مطالعات روان‌شناسی منتشرشده در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ را که به رابطه مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده پرداخته‌اند، به‌صورت نظام‌مند مرور و تلفیق می‌کند. هدف این مرور، یکپارچه‌سازی شواهد و تبیین جایگاه مشارکت پدر در شکل‌گیری و تقویت تاب‌آوری خانواده در پرتو پژوهش‌های معاصر روان‌شناسی است.

تاب‌آوری خانواده و مشارکت پدر: پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد خانواده‌های تاب‌آور، زیربنای سلامت جامعه و حتی تاب‌آوری در سطح ملی به‌شمار می‌آیند. چنین خانواده‌هایی برای آنکه بتوانند در برابر تغییرات مداوم روابط و تحولات اجتماعی، ظرفیت سازگاری خود را حفظ کنند، باید همواره توان تحول و انطباق با شرایط جدید را در خود پرورش دهند (هنری و همکاران^۸، ۲۰۱۵؛ والش، ۲۰۱۶). خانواده، به‌عنوان یک نظام اجتماعی خرد^۹، برای مقابله با فشارها و تنیدگی‌های گوناگون در مقاطع مختلف زندگی، از مجموعه‌ای از منابع درونی و بیرونی بهره می‌گیرد (لیتز و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۶). در چارچوب تاب‌آوری خانواده، رشد مثبت تحول‌آفرین^{۱۱} یکی از مهم‌ترین نقاط قوت خانواده محسوب می‌شود (بتل و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۹؛ والش، ۲۰۰۶). همچنین مشارکت اعضای خانواده و معنابخشی مشترک^{۱۳} به تجربه‌های تنش‌زا، از ارکان اساسی شکل‌گیری یک نظام خانواده تاب‌آور به‌شمار می‌رود (مائو و همکاران^{۱۴}، ۲۰۲۱؛ پترسون^{۱۵}، ۲۰۰۲).

والش (۲۰۰۳، ۲۰۰۶) این نظام پیچیده را در سه بعد اساسی طبقه‌بندی می‌کند: الگوهای سازمانی^{۱۶} مانند تقسیم وظایف و انعطاف‌پذیری، فرایندهای ارتباطی^{۱۷} مانند شفافیت در ارتباط و حل مسئله مشترک، و نظام باورها^{۱۸} مانند ارزش‌ها و معنویت.

1. resilient family system
2. adaptive organization
3. effective communication
4. Bezrukova & Samoylova
5. adaptive routines
6. collaborative problem-solving
7. community relationships
8. Henry et al.
9. Micro-social System
10. Lietz et al.
11. transformative positive growth
12. Bethell et al.
13. collective meaning-making
14. Mao et al.
15. Patterson
16. organizational patterns
17. communication processes
18. belief systems

براساس این چارچوب، خانواده‌های تاب‌آور قادرند مسئولیت‌ها و وظایف خانوادگی را بدون شکل‌گیری الگوهای تعامل متقابل منفی^۱ میان اعضا بازتوزیع کنند. این خانواده‌ها همچنین درک روشن و واقع‌بینانه‌ای از شرایط دارند و هرگاه فشارها افزایش یابد، می‌توانند برنامه‌ها و شیوه‌های عمل خود را متناسب با شرایط جدید بازتنظیم کنند (والش، ۲۰۱۶؛ یان و همکاران^۲، ۲۰۲۵). در این چارچوب، مشارکت پدر به‌عنوان یک منبع رابطه‌ای^۳ مهم در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند ظرفیت سازگاری^۴ خانواده را تقویت کند. مشارکت پدر که به حضور فعال، مستمر و گسترده او در ابعاد مختلف زندگی فرزندان اشاره دارد (بزرکوا و سامویلوا، ۲۰۲۴؛ اوپوکو و همکاران^۵، ۲۰۲۵)، مفهومی چندبعدی است که تعامل مستقیم با فرزند، مسئولیت‌پذیری در مراقبت از او و حمایت عاطفی را دربرمی‌گیرد (دینیز و همکاران^۶، ۲۰۲۱؛ روله و همکاران^۷، ۲۰۱۹). افزون بر این، مداخلات ساختاریافته‌ای مانند برنامه حمایت از مشارکت پدر^۸ نیز نشان داده‌اند چنین مشارکتی می‌تواند پویایی‌های خانواده را بهبود بخشد و به ارتقای سلامت و رفاه کودکان بینجامد (پروئت و همکاران^۹، ۲۰۱۹).

در این مرور، ابعاد سه‌گانه مشارکت پدر که لمب و همکاران^{۱۰} (۱۹۸۵) مطرح کرده‌اند، یعنی درگیربودن^{۱۱}، مسئولیت‌پذیری^{۱۲} و در دسترس بودن^{۱۳}، در قالب یک چارچوب نظام‌مند برای تحلیل الگوهای سنتی و نوین پدری به کار گرفته شده‌اند. تلفیق این ابعاد، دیدگاهی جامع از چگونگی عملکرد مشارکت پدر به‌عنوان یکی از خرده‌نظام‌های مؤثر در نظام خانواده فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر با تکیه بر چارچوب تاب‌آوری خانواده^{۱۴} والش (۲۰۰۳، ۲۰۰۶) جنبه‌های مثبت و منفی مشارکت پدر را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد این ابعاد چگونه می‌توانند شاخص‌های استحکام، انعطاف‌پذیری و به‌ویژه توانایی جمعی خانواده در مقابله با فشارها و شرایط تنش‌زا را پیش‌بینی کنند.

۲. روش

۲-۱. طرح پژوهش

در این مطالعه، برای هدایت فرایند انجام و گزارش مرور نظام‌مند، از دستورالعمل اقلام ترجیحی برای گزارش مرورهای نظام‌مند و فراتحلیل‌ها پریزما^{۱۴} استفاده شد. نسخه ۲۰۲۰ این دستورالعمل، چارچوبی استاندارد برای گزارش شفاف و منسجم مطالعات مرور نظام‌مند فراهم می‌کند (پییج و همکاران^{۱۵}، ۲۰۲۱).

۲-۲. روش جستجو

جستجوی نظام‌مند منابع در تاریخ ۲۲ دسامبر ۲۰۲۴ انجام شد و پنج پایگاه اطلاعاتی پاب‌مد^{۱۶}، سایک‌اینفو^{۱۷}، اسکوپوس^{۱۸}، ساینس دایرکت^{۱۹} و جی‌استور^{۲۰} را دربرگرفت. راهبرد جستجو بر پایه ترکیبی از کلیدواژه‌های آزاد و، در صورت وجود، سرعنوان‌های موضوعی اختصاصی هر پایگاه تدوین شد. برای شناسایی مطالعات مرتبط با مشارکت پدر، از کلیدواژه‌هایی مانند مشارکت پدرانه^{۲۱}،

1. negative reciprocity
2. Yan et al.
3. relational resource
4. adaptive capacity
5. Opoku et al.
6. Diniz et al.
7. Rollè et al.
8. Supporting Father Involvement Program (SFI)
9. Pruett et al.
10. Lamb et al.
11. engagement
12. responsibility
13. accessibility
14. Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses (PRISMA)
15. Page et al.
16. PubMed
17. PsycINFO
18. Scopus
19. ScienceDirect
20. JSTOR
21. father involvement

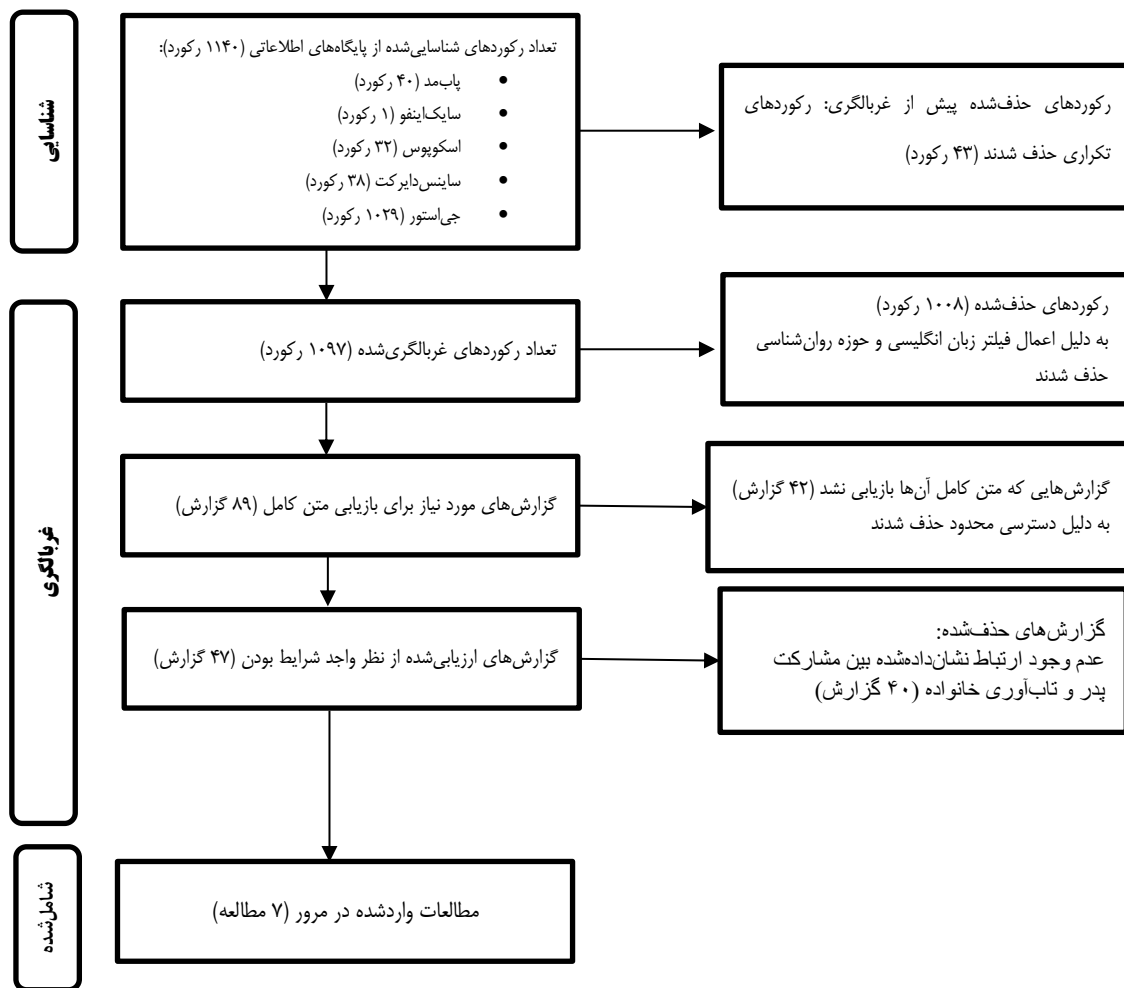
مشارکت پدر^۱ و تعامل پدر^۲ و برای شناسایی مطالعات مرتبط با تاب‌آوری خانواده، از کلیدواژه‌هایی مانند تاب‌آوری خانواده^۳، سازگاری خانواده^۴ و سبک مقابله‌ای خانواده^۵ استفاده شد. دامنه زمانی جستجو، مقالات منتشرشده از ژانویه ۲۰۱۴ تا دسامبر ۲۰۲۴ را شامل می‌شد. مترادف‌های هر مفهوم با نشانگر «یا»^۶ و دو مجموعه مفهومی مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده با نشانگر «و»^۷ با یکدیگر ترکیب شدند. جستجو در عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مقالات انجام شد و تمامی مقالات نمایه‌شده تا ۲۲ دسامبر ۲۰۲۴ وارد فرایند غربالگری شدند.

معیارهای ورود به مطالعه شامل موارد زیر بود: الف) انتشار مقاله به زبان انگلیسی؛ ب) حوزه روان‌شناسی؛ پ) دسترسی به متن کامل مقاله؛ ت) بررسی مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده به عنوان دو سازه مرتبط؛ ث) انتشار مقاله از ژانویه ۲۰۱۴ تا دسامبر ۲۰۲۴؛ و ج) کیفیت روش‌شناختی قابل قبول براساس چک‌لیست ارزیابی کیفیت برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی^۸. در مقابل، معیارهای خروج از مطالعه عبارت بودند از: الف) انتشار مقاله به زبانی غیر از انگلیسی؛ ب) حوزه روان‌شناسی؛ پ) رکوردهای تکراری؛ ت) عدم دسترسی به متن کامل مقاله؛ ث) بررسی نکردن ارتباط میان مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده؛ و ج) کیفیت روش‌شناختی ضعیف براساس ارزیابی خطر سوگیری.

جستجوی منابع با استفاده از راهبرد یادشده، در مجموع ۱۱۴۰ رکورد منتشرشده در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ را شناسایی کرد. پس از حذف ۴۳ رکورد تکراری، ۱۰۹۷ رکورد برای غربالگری باقی ماند. در مرحله بعد، ۱۰۰۸ رکورد به دلیل نداشتن معیارهای ورود کنار گذاشته و در نتیجه ۸۹ گزارش برای بازبینی متن کامل انتخاب شدند. از این میان، با وجود تلاش برای دسترسی به متن کامل از طریق اشتراک‌های سازمانی و مخازن دسترسی آزاد، متن کامل ۴۲ مقاله قابل‌بازبینی نبود. این مرحله با هدف اطمینان از ارزیابی مطالعاتی انجام شد که اطلاعات کامل آن‌ها در دسترس بود. در نتیجه، ۴۷ مقاله تمام‌متن وارد مرحله بررسی واجد شرایط بودن شدند. در ادامه، ۴۰ مقاله به دلیل آنکه ارتباط میان مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده را بررسی نکرده یا داده‌های مرتبط با این ارتباط را گزارش نکرده بودند، از مطالعه کنار گذاشته شدند. در نهایت، هفت مقاله تمام‌متن برای ارزیابی انتقادی و ورود به سنتز کیفی انتخاب شدند (شکل ۱).

اگرچه جستجوی منابع در پنج پایگاه اطلاعاتی انجام شد، مطالعات منتخب در پایگاه‌های مختلف پراکنده بودند و بخش قابل‌توجهی از آن‌ها از پایگاه جی‌استور استخراج شد. برای یکپارچگی فرایند جستجو، در تمامی پایگاه‌ها از ترکیب یکسانی از کلیدواژه‌ها، عملگرهای بولی^۹ و محدودیت‌های جستجو استفاده شد. محدود بودن تعداد مطالعات واردشده (۷ مورد) به سنتز نهایی نشان‌دهنده آن است که در بازه زمانی مورد بررسی، هم‌پوشانی پژوهش‌های روان‌شناختی درباره مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده اندک بوده است. اگرچه هریک از این دو سازه به‌طور مستقل موضوع پژوهش‌های متعددی بوده‌اند، مطالعات معدودی به بررسی ارتباط آن‌ها در قالب یک چارچوب واحد روان‌شناختی پرداخته‌اند. از این‌رو، تعداد محدود مطالعات واردشده ممکن است تعمیم‌پذیری یافته‌های این مرور را تحت تأثیر قرار دهد؛ موضوعی که در بخش محدودیت‌های پژوهش به تفصیل بیشتری مورد بحث قرار گرفته است.

1. paternal involvement
2. father engagement
3. family resilience
4. family adaptation
5. family coping
6. OR
7. AND
8. Critical Appraisal Skills Programme (CASP)
9. Boolean operators



نمودار ۱. روند فرایند جستجوی مطالعات

۲-۳. ارزیابی کیفیت

کیفیت مطالعات واردشده با استفاده از چک‌لیست برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی ارزیابی شد. این چک‌لیست، استحکام روش‌شناختی مطالعات را براساس ۱۰ معیار (پرسش) ارزیابی می‌کند (برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی، ۲۰۱۸) که عبارت‌اند از:

۱. آیا اهداف پژوهش به‌روشنی بیان شده‌اند؟
۲. آیا روش‌شناسی کیفی برای این پژوهش مناسب است؟
۳. آیا طرح پژوهش برای دستیابی به اهداف پژوهش مناسب بوده است؟
۴. آیا راهبرد نمونه‌گیری و جذب مشارکت‌کنندگان با اهداف پژوهش تناسب داشته است؟
۵. آیا داده‌ها به شیوه‌ای گردآوری شده‌اند که مسئله پژوهش را پوشش دهند؟
۶. آیا رابطه میان پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان به‌طور مناسب مورد توجه قرار گرفته است؟
۷. آیا مسائل اخلاقی مورد توجه قرار گرفته‌اند؟
۸. آیا تحلیل داده‌ها با دقت و استحکام روش‌شناختی کافی انجام شده است؟
۹. آیا یافته‌های پژوهش به‌روشنی بیان شده‌اند؟
۱۰. پژوهش حاضر تا چه اندازه ارزشمند است؟

با پیروی از رویکرد نیکولز و همکاران (۲۰۲۰)، به هریک از گویه های چک لیست امتیازی اختصاص داده شد که در مجموع حداکثر امتیاز ۲۰ را به دست می داد. به طور مشخص، هر گویه براساس مقیاسی از صفر (خیر)، ۱ (تا حدی) و ۲ (بله) امتیازدهی شد. برای ارزیابی استحکام روش شناختی، در این پژوهش از چارچوب طبقه بندی رضائیان جم و همکاران (۲۰۲۵) استفاده شد که براساس آن، امتیازهای ۱۶ تا ۲۰ نشان دهنده کیفیت بالا، امتیازهای ۱۰ تا ۱۵ نشان دهنده کیفیت متوسط و امتیازهای کمتر از ۱۰ نشان دهنده کیفیت ضعیف هستند. براساس نتایج ارزیابی، هر هفت مطالعه وارد شده در محدوده کیفیت مطلوب قرار گرفتند و امتیاز کل آن ها از ۱۷ تا ۲۰ متغیر بود. به طور مشخص، چهار مطالعه امتیاز ۲۰ و مطالعات باقی مانده به ترتیب امتیازهای ۱۹ و ۱۷ را کسب کردند (برای مشاهده جزئیات امتیازدهی، به جدول ۱ مراجعه شود).

اگرچه مطالعات وارد شده از هردو نوع طرح کیفی و کمی استفاده کرده بودند، چک لیست برنامه مهارت های ارزیابی انتقادی به عنوان یک چارچوب مشترک برای ارزیابی استحکام روش شناختی تمامی مطالعات وارد شده به کار گرفته شد. این رویکرد مناسب در نظر گرفته شد؛ زیرا مرور حاضر عمدتاً بر جنبه های رابطه ای و فرایند محور مشارکت پدر و تاب آوری خانواده تمرکز داشت که از نظر مفهومی با معیارهای ارزیابی همخوانی دارند. این رویکرد با این اصل همسو است که ابزارهای ارزیابی باید متناسب با طرح های پژوهشی خاص و با انعطاف پذیری مورد استفاده قرار گیرند (اوپارد، ۲۰۲۳). در عین حال، امکان ایجاد زبان قابل مقایسه ای برای کیفیت در میان شواهد کیفی و کمی فراهم کنند تا فرایند سنتز به صورت ساختاریافته و منسجم انجام گیرد (لانگ و همکاران، ۲۰۲۰). انتخاب مطالعات، استخراج داده ها و ارزیابی کیفیت توسط پژوهشگر اصلی انجام شد و برای افزایش اعتبار و کاهش سوگیری احتمالی، نتایج با مشارکت همکار پژوهشی بازبینی شدند.

جدول ۱. ارزیابی کیفیت مطالعات بررسی شده

ردیف	نویسنده (سال)	س ۱	س ۲	س ۳	س ۴	س ۵	س ۶	س ۷	س ۸	س ۹	س ۱۰	امتیاز کل	کیفیت
۱	آیکینز و راتنر (۲۰۱۷)	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۱۷	بالا
۲	بوکنک و همکاران (۲۰۱۷)	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲۰	بالا
۳	کالدول و همکاران (۲۰۱۴)	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲۰	بالا
۴	فیگن و همکاران (۲۰۲۵)	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲۰	بالا
۵	فیتزجرالد و همکاران (۲۰۲۱)	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۱۷	بالا
۶	مونتینر و چارلز (۲۰۲۳)	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۲	۱۹	بالا
۷	ری و همکاران (۲۰۲۱)	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲۰	بالا

پانوش: س ۱ = اهداف پژوهش؛ س ۲ = روش شناسی؛ س ۳ = طرح پژوهش؛ س ۴ = راهبرد جذب مشارکت کنندگان؛ س ۵ = گردآوری داده ها؛ س ۶ = بازاندیشی گری؛ س ۷ = مسائل اخلاقی؛ س ۸ = تحلیل داده ها؛ س ۹ = بیان یافته ها؛ س ۱۰ = ارزش پژوهش. نحوه امتیازدهی: ۲ = بله، ۱ = نامطمئن، ۰ = خیر؛ طبقه بندی کیفیت: ۱۶ تا ۲۰ = بالا، ۱۰ تا ۱۵ = متوسط، کمتر از ۱۰ = پایین.

۲-۴. استخراج داده ها

مرحله تحلیل انتقادی برای تمامی مقالات انتخاب شده در این پژوهش انجام گرفت. در این مرحله، اطلاعات توصیفی اصلی از هر مطالعه استخراج و سپس به صورت نظام مند دسته بندی شدند. اطلاعات توصیفی اصلی استخراج شده از هر مقاله شامل نام نویسنده، سال انتشار، اهداف پژوهش، چارچوب نظری و روش شناسی بود. اطلاعات روش شناسی نیز شامل طرح پژوهش، ویژگی های مشارکت کنندگان، شیوه های گردآوری داده ها، رویکردهای تحلیلی و نتایج اصلی هر مطالعه بود.

۲-۵. سنتز

سنتز یافته ها با استفاده از تحلیل روایتی مضمون محور صورت گرفت. این رویکرد به این دلیل انتخاب شد که با ابعاد تاب آوری خانواده در چارچوب والش (۲۰۰۶) شامل الگوهای سازمانی، فرایندهای ارتباطی و نظام باورهای خانواده همخوانی دارد. این رویکرد بر به کارگیری معیارهایی استوار بود که در عین برخورداری از دقت و انسجام، انعطاف پذیری لازم را نیز داشتند و امکان دستیابی به یافته هایی غنی و معتبر را فراهم می کردند (نوول و همکاران، ۲۰۱۷).

پس از استخراج داده ها، یافته های اصلی هر پژوهش با دقت مطالعه و با یکدیگر مقایسه شدند تا ارتباط میان مشارکت پدر و تاب آوری خانواده شناسایی شود. نظریه تاب آوری خانواده والش (۲۰۰۶) شامل الگوهای سازمانی، فرایندهای ارتباطی و نظام

باورهای خانواده، به‌عنوان چارچوبی برای هدایت فرایند سنتز مورد استفاده قرار گرفت. مضامین از پیش به‌طور کامل تعیین نشده بودند، بلکه از طریق پیوند تفسیری یافته‌ها با این ابعاد شکل گرفتند. سپس هر مطالعه براساس مرتبط‌ترین بعد یا ابعاد تاب‌آوری خانواده طبقه‌بندی شد و به این ترتیب، امکان سنتزی نظام‌مند و منسجم فراهم آمد. نوول و همکاران (۲۰۱۷) تأکید می‌کنند که سنتز روایتی مضمون‌محور، فرایندی مبتنی بر تفسیر انتقادی است که داده‌های خام حاصل از مقالات پیشین را به درکی منسجم از چارچوب نظری تبدیل می‌کند.

۳. یافته‌ها

نتایج مطالعات بررسی‌شده در جدول ۲ خلاصه شده است. این مرور نظام‌مند منابع، یافته‌های هفت مطالعه را که معیارهای ورود را داشتند و ارزیابی کیفیت را با استفاده از چک‌لیست برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی با موفقیت پشت سر گذاشته بودند، تلفیق کرد. این مطالعات از طرح‌های روش‌شناختی متنوعی استفاده کرده بودند که شامل مطالعات طولی، شبه‌آزمایشی، کیفی، کمی مقطعی و پژوهش‌های ثانویه بود. این تنوع نشان می‌دهد ارتباط میان مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده با استفاده از رویکردهای روش‌شناختی گوناگون بررسی و گزارش شده است.

بیشتر مطالعات، عوامل دیگری مانند نظام‌های بوم‌شناختی، فرایندهای رابطه‌ای و مدل‌های تعاملی را نیز بررسی کرده بودند. در میان مطالعات مرورشده، نظریه نظام‌های خانواده رایج‌ترین رویکرد نظری مورد استفاده بود. از نظر طرح پژوهش نیز یک مطالعه از روش طولی، سه مطالعه از پژوهش ثانویه، یک مطالعه از روش کیفی، یک مطالعه از روش کمی و یک مطالعه از روش شبه‌آزمایشی استفاده کرده بودند.

تمامی این مطالعات جنبه‌هایی از تاب‌آوری خانواده را بررسی کرده بودند، اگرچه همه آن‌ها به‌طور مشخص بر رابطه میان مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده تمرکز نداشتند. سنتز یافته‌ها نشان داد پنج مطالعه به الگوهای سازمانی، هفت مطالعه به فرایندهای ارتباطی و پنج مطالعه به نظام باورهای خانواده در زمینه مشارکت پدر پرداخته بودند.

جدول ۲. خلاصه‌ای از مطالعات بررسی‌شده درمورد مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده

نویسنده (سال) و کیفیت	کشور	حجم نمونه / نمونه	چارچوب نظری و هدف	طرح پژوهش و مشارکت‌کنندگان	یافته‌های مضمونی براساس چارچوب والش
ایکینز و راتنر ^۱ (۲۰۱۷) کیفیت بالا (۱۷ از ۲۰)	ایالات متحده آمریکا	بدون گزارش (سنتز مفهومی)	نظریه نظام‌های بوم‌شناختی برون‌برنر ^۲ (۱۹۸۶)، نظریه تاب‌آوری گارمزی ^۳ (۱۹۸۴)، مدل تلفیقی تاب‌آوری لونگار و همکاران ^۴ (۱۹۸۵)، هدف: تبیین چگونگی تأثیر رفتارهای والدین بر تاب‌آوری کودکان در زمینه‌های مخاطره‌آمیز مراحل اولیه رشد.	پژوهش ثانویه از طریق سنتز مشارکت‌کننده اولیه نداشت و مطالعات مربوط به والدین و کودکان خردسال را در زمینه‌های مختلف خطر و مخاطره تلفیق کرد.	فرایندهای ارتباطی: مشارکت پدر اثربخشی تعامل والد-کودک را افزایش می‌دهد و از تنظیم هیجانی و مقابله حمایت می‌کند. نظام باورهای خانواده: سبک‌های فرزندپروری با باورهای مرتبط با تاب‌آوری و سازوکارهای مقابله‌ای ارتباط دارند، اگرچه این موضوع در مطالعه اصلی به‌صراحت با این عنوان بیان نشده است.
بوکنک و همکاران ^۵ (۲۰۱۷) کیفیت بالا (۲۰ از ۲۰)	ایالات متحده آمریکا	۴۱۹ پدر زیستی / چهره‌های پدری، پروژه پژوهش و ارزیابی برنامه شروع زودهنگام کودکان ^۶	نظریه رابطه فعال‌سازی پانکت ^۷ (۲۰۰۳). هدف: بررسی رابطه میان بازی فعال پدر و رشد خودتنظیمی در اوایل کودکی.	پژوهش ثانویه با طرح طولی. پدران زیستی و چهره‌های پدری شرکت‌کننده در پروژه پژوهش و ارزیابی شروع زودهنگام کودکان.	الگوهای سازمانی: مشارکت پدر در فعالیت‌های روزمره خانواده به ایجاد محیط قابل‌پیش‌بینی و تنظیم هیجانی کودکان کمک می‌کند. فرایندهای ارتباطی: مشارکت بیشتر پدر با کشودگی هیجانی و فضای ارتباطی حمایت‌گرانه در خانواده ارتباط دارد، اگرچه این موضوع به‌صراحت با این عنوان بیان نشده است.
کالدول و همکاران ^۸ (۲۰۱۴) کیفیت بالا (۲۰ از ۲۰)	ایالات متحده آمریکا	۲۸۷ نفر از پدران آفریقایی‌تبار غیرهمخانه و پسران ۸ تا ۱۲ ساله	نظریه کنش منطقی ^۹ (آجنز و فیشرین ^{۱۰} ، ۱۹۸۰). هدف: آزمون اثربخشی برنامه پدران و پسران در بهبود مهارت‌ها و رفتارهای فرزندپروری پدران آفریقایی‌تبار غیرهمخانه.	پژوهش اولیه با طرح شبه‌آزمایشی. پرسشنامه‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای پدران غیرهمخانه و پسران آن‌ها اجرا شد.	الگوهای سازمانی: مشارکت ساختاریافته پدر با بهبود انسجام خانواده و رفتارهای سازمان‌یافته فرزندپروری ارتباط دارد. فرایندهای ارتباطی: گفتگوهای هدایت‌شده توسط پدر درباره نژاد، جنسیت و رفتارهای پرخطر با ارتباطات خانوادگی محافظت‌کننده و انتقال ارزش‌ها مرتبط است. نظام باورهای خانواده: گفتگو درباره انضباط غیرجسمانی به شکل‌گیری

1. Aikins & Ratner
2. Bronfenbrenner's ecological systems theory
3. Garmezy's resilience theory
4. Ungar et al.'s integrative resilience model
5. Bocknek et al.
6. Early Head Start Research and Evaluation Project (EHSREP)
7. Paquette's activation relationship theory
8. Caldwell et al.
9. theory of reasoned action
10. Ajzen & Fishbein

نویسنده (سال) و کیفیت	کشور	حجم نمونه / نمونه	چارچوب نظری و هدف	طرح پژوهش و مشارکت کنندگان	یافته های مضمونی براساس چارچوب والش
فیگن و همکاران ^۱ (۲۰۲۵) کیفیت بالا (۲۰ از ۲۰)	ایالات متحده آمریکا	نمونه ای با درآمد کم از گروه آینده خانواده ها و بهزیستی کودکان. پروژه آینده خانواده ها و بهزیستی کودکان ^۲	دیدگاه خطر و تابآوری مستن ^۳ (۲۰۱۸): نظریه تعاملی سامروث ^۴ (۲۰۰۹). هدف: بررسی ارتباط میان عوامل خطر در اوایل کودکی و بزهکاری در نوجوانی و بررسی عوامل میانجی و تعدیل کننده این روابط.	پژوهش اولیه با طرح کمی و استفاده از داده های گروه آینده خانواده ها و بهزیستی کودکان.	ارزش های اساسی و استدلال اخلاقی در پسران کمک می کند. الگوهای سازمانی: مشارکت پدر از طریق کاهش عوامل خطر مرتبط با بزهکاری نوجوانان، به ایجاد ساختاری سازگارانه در خانواده کمک می کند. فرایندهای ارتباطی: تعامل باکیفیت پدر و کودک با خودتنظیمی و شایستگی های ارتباطی در نوجوانان ارتباط دارد. نظام باورهای خانواده: مشارکت پدر از شکل گیری ارزش های مثبت درباره رفتار و مقابله حمایت می کند، اگرچه این موضوع در مطالعه اصلی به طور صریح با این عنوان بیان نشده است.
فیتزجرالد و همکاران ^۵ (۲۰۲۱) کیفیت بالا (۱۷ از ۲۰)	ایالات متحده آمریکا / بین المللی	بدون گزارش (سنتر مفهومی)	نظریه دلبستگی بالبی ^۶ (۱۹۷۳): پیوستار خطر تا تابآوری فیتزجرالد. هدف: بررسی سلامت روانی پدر، رفتار فرزندپروری، زمینه فرهنگی و پیامدهای جسمانی و روانی سلامت کودکان.	پژوهش ثانویه از طریق سنتز مفهومی. یافته های چندین مطالعه درباره پدران، مادران و کودکان از دوره نوزادی تا نوجوانی در زمینه های اجتماعی-اقتصادی و بالینی گوناگون تلفیق شد.	الگوهای سازمانی: مشارکت پدر در سازمان دهی نقش مراقبتی و هماهنگی پویایی های خانواده نقش دارد، اگرچه این موضوع به صراحت با این عنوان بیان نشده است. فرایندهای ارتباطی: حساسیت بیشتر پدر و مشارکت حمایتگرانه او با الگوهای سالم تر ارتباطی در خانواده همراه است، اگرچه در مطالعه اصلی به طور مشخص در این طبقه بندی قرار نگرفته است. نظام باورهای خانواده: پدران از طریق مشارکت مستمر و حساسیت نسبت به کودک، بر باورهای مشترک درباره فرزندپروری و تابآوری خانواده تأثیر می گذارند.
مونتنتر و چارلز ^۷ (۲۰۲۳) کیفیت بالا (۱۹ از ۲۰)	ایالات متحده آمریکا	پدران سابقاً زندانی، مادران هموال و اعضای خانواده گسترده	نظریه نظام های خانواده. هدف: بررسی بهزیستی کودکان در دوران حبس پدر و پس از آن، از دیدگاه پدران آزادشده، مادران و اعضای خانواده گسترده.	پژوهش اولیه با طرح کیفی. مصاحبه های نیمه ساختاریافته با پدران سابقاً زندانی، مادران هموالد و بستگان انجام شد.	الگوهای سازمانی: زندانی شدن پدر روال ها و نقش های خانوادگی را مختل می کند و بازگشت پدر با سازمان دهی مجدد سازگارانه خانواده همراه است. فرایندهای ارتباطی: ارتباطات باز در دوران حبس و پس از آن، آثار نامطلوب بر بهزیستی هیجانی کودکان را کاهش می دهد. نظام باورهای خانواده: اعضای خانواده خوش بینی مشترکی داشتند که کودکان با وجود دشواری های ناشی از حبس پدر می توانند موفق شوند.
ری و همکاران ^۸ (۲۰۲۱) کیفیت بالا (۲۰ از ۲۰)	ایالات متحده آمریکا	مادران سیاه پوست ازدواج نکرده، پدران غیرهمخانه و کودکان شرکت کننده در مطالعه خانواده های شکننده و بهزیستی کودکان	مدل فرد-فرایند-بافت ^۹ برونفن برنر (۱۹۸۶): دیدگاه خطر و تابآوری مکلوید ^{۱۰} (۱۹۹۰) و راتر ^{۱۱} (۱۹۸۷). هدف: بررسی چگونگی تعدیل رابطه میان مشکلات اقتصادی، استرس فرزندپروری، تجارب نامطلوب دوران کودکی و مشکلات رفتاری کودکان توسط مشارکت پدر غیرهمخانه.	پژوهش اولیه با طرح طولی. داده ها از مصاحبه های اولیه با مادران و پدران و ارزیابی های رفتاری کودکان به دست آمد.	فرایندهای ارتباطی: مشارکت بیشتر پدر و کیفیت بالاتر ارتباطات با درک و حمایت بهتر در خانواده ارتباط دارد و به تابآوری کمک می کند، اگرچه این موضوع در مطالعه اصلی به صراحت با این عنوان بیان نشده است.

پانوشت: یادداشت. ارزیابی کیفیت با استفاده از چک لیست برنامه مهارت های ارزیابی انتقادی انجام شد (نحوه امتیازدهی: ۰ = خیر، ۱ = نامطمئن، ۲ = بله؛ حداکثر امتیاز = ۲۰؛ طبقه بندی کیفیت: ۱۶ تا ۲۰ = بالا، ۱۰ تا ۱۵ = متوسط، کمتر از ۱۰ = پایین) / یافته های مضمونی براساس چارچوب تابآوری خانواده والش (۲۰۰۶) سازمان دهی شدند که شامل الگوهای سازمانی، فرایندهای ارتباطی و نظام باورهای خانواده است / ابعادی که در مطالعات اصلی به صراحت بررسی نشده بودند، از طریق سنتز تفسیری شناسایی شدند / کشور محل مطالعه، در مواردی که در مقاله اصلی به صراحت ذکر نشده بود، براساس توضیحات مربوط به نمونه مطالعه یا منشأ داده ها تعیین شد.

۳-۱. رابطه میان مشارکت پدر و الگوهای سازمانی

به چارچوب ها و فرایندهایی که خانواده ها برای سازمان دهی فعالیت های روزمره خود و غلبه بر چالش های مختلف به کار می گیرند، الگوهای سازمانی گفته می شود (ایزومی و گویون-ریورا، ۲۰۱۸؛ والش، ۲۰۰۶). در این مرور، پنج مطالعه شناسایی شدند که رابطه میان مشارکت پدر و بعد الگوهای سازمانی را گزارش کرده بودند. با این حال، همه مطالعات به صراحت از اصطلاح الگوهای سازمانی^{۱۲} استفاده نکرده بودند و در برخی موارد، این طبقه بندی براساس سنتز تفسیری نویسنده و با تکیه بر چارچوب والش (۲۰۰۶) انجام شده بود.

مشارکت مستمر پدر در فعالیت های روزمره خانواده با الگوهای سازمان دهی امور خانه ارتباط داشت و در نهایت توانست به شکل گیری محیطی ساختاریافته در خانواده منجر شود (بوکنک و همکاران، ۲۰۱۷). حضور و مشارکت فیزیکی پدر در فعالیت های روزمره پدر-کودک در کوتاه مدت با نظم و ثبات بیشتر در امور خانه ارتباط دارد. مشاهده روال های روزمره ای که والدین اجرا می کنند، با ایجاد احساس اطمینان و امنیت در کودکان همراه است. ثبات محیطی، یعنی اجرای مداوم روال های مشخص و قواعد

1. Fagan et al.
2. Future of Families and Child Well-being (FFCW)
3. Masten's risk and resilience perspective
4. Sameroff's transactional theory
5. Fitzgerald et al.
6. Bowlby
7. Muentner & Charles
8. Ray et al.
9. person-process-context
10. McLoyd
11. Rutter
12. organizational patterns

روشن در خانه، با بهبود گزارش‌شده در تنظیم هیجانی و خلق‌وخوی کودکان ارتباط دارد. پدران از طریق این روال‌ها می‌توانند به شکل‌گیری احساس نظم در میان اعضای خانواده کمک کنند. درنهایت، این نظم با تاب‌آوری خانواده در مواجهه با چالش‌های رشدی رابطه‌ای مثبت دارد.

ارتباط والد-کودک با گشودگی و سهولت در بیان مطالب مشخص می‌شود. توانایی کودکان در بیان خود در برابر پدرانشان با الگوهای سازمانی گزارش‌شده در خانواده ارتباط دارد. پدرانی که به‌طور مستمر در گفتگوهای معنادار و هدفمند خانوادگی مشارکت می‌کنند، با وجود محیطی باثبات برای تعاملات خانوادگی ارتباط دارند. همچنین گفتگو درباره موضوعات مختلف، از جمله رفتارهای پرخطر مانند سوءمصرف مواد، خشونت و شروع زود هنگام روابط جنسی، با انسجام بیشتر در ساختار خانواده ارتباط دارد (کالدول و همکاران، ۲۰۱۴). اگرچه در این مطالعه به‌صراحت از اصطلاح الگوهای سازمانی استفاده نشده است، مشارکت ساختاریافته و مستمر پدر با سازمان‌یافتگی و انسجام بیشتر خانواده ارتباط مثبت دارد.

فیگن و همکاران (۲۰۲۵) بیان کردند که ارزیابی خطر در دوران کودکی دارای اهمیت فراوان است؛ زیرا عوامل مرتبط با پدر، مادر، واحد خانواده و کودک در تحلیل چندمتغیره، پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای بزهکاری نوجوانان هستند. گزارش شد که مشارکت پدر با شکل‌گیری ساختاری سازگارانه‌تر در خانواده در سطح سازمانی ارتباط دارد. اگرچه الگوهای سازمانی در این مطالعه به‌صراحت مورد بحث قرار نگرفته‌اند، نتایج تحلیل نشان می‌دهد مشارکت پدر و روابط خانوادگی با پیامدهای مربوط به خانواده و کودک که با تاب‌آوری در بعد سازمانی ارتباط دارند، همراه هستند.

پژوهش فیتزجرالد و همکاران (۲۰۲۱) نیز مستقیم از اصطلاح الگوی سازمانی استفاده نکرده است، اما نشان می‌دهد سازمان‌دهی نقش‌های والدینی در خانواده با مشارکت پدر ارتباط دارد. مشارکت پدر و عملکرد خانواده ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند که نشان می‌دهد مشارکت پدر با پویایی‌های هماهنگ خانواده، از جمله نقش پدر در حمایت از سایر اعضای خانواده، ارتباط دارد. نمونه‌هایی مانند تعاملات روزمره و معمول، برای مثال گفتگو در جریان فعالیت‌های مشترک، بیانگر آن‌اند که مشارکت مستمر پدر با الگوهای باثبات روابط در خانواده ارتباط دارد.

مونتسنت و چارلز (۲۰۲۳) برخلاف سایر مطالعات، کودکانی را بررسی کردند که پدرانشان در زندان بودند. در این مطالعه، نبود چهره پدر با اختلال در روال‌های روزمره، ارتباطات و نقش‌های والدینی همراه بود که نشان‌دهنده تضعیف ثبات سازمانی خانواده است. بااین‌حال، پس از بازگشت پدر، بازسازی روال‌های خانوادگی و بازتعریف نقش‌ها با سازمان‌دهی مجدد سازگارانه همراه بود؛ بنابراین، نبود پدر رابطه‌ای منفی با تاب‌آوری سازمانی نشان می‌دهد؛ درحالی‌که مشارکت مجدد پدر با این بعد از تاب‌آوری رابطه مثبت دارد.

۲-۳. رابطه میان مشارکت پدر و فرایندهای ارتباطی

فرایند ارتباطی به شیوه تعامل اعضای خانواده با یکدیگر، بیان اطلاعات و حل مشترک مسائل اشاره دارد (والش، ۲۰۰۶). ارتباط مؤثر برای شکل‌گیری تاب‌آوری خانواده ضروری است (والش، ۲۰۰۶). رابطه میان مشارکت پدر و فرایندهای ارتباطی در هفت مطالعه بررسی شده مشاهده شد.

آیکینز و راتنر (۲۰۱۷) اهمیت روابط والد-کودک را بررسی کردند و به مطالعه رفتارها و رویکردهای فرزندپروری در جهت تقویت تاب‌آوری خانواده پرداختند. آن‌ها منابع روان‌شناختی و اجتماعی‌ای را که هریک از والدین به رابطه وارد می‌کردند، مورد توجه قرار دادند. یافته‌های آن‌ها نشان‌دهنده ارتباط میان مشارکت پدر و ارتباط مؤثر والد-کودک در زمینه حمایت از رشد هیجانی و اجتماعی کودکان بود.

بوکنک و همکاران (۲۰۱۷) حوزه نقش پدر را از حوزه ارتباطات خانوادگی متمایز کردند، هرچند نقش پدر از اهمیت زیادی برخوردار است. نشان داده شد که پیوندهای هیجانی قوی، حمایت پدر و گشودگی در خانواده با یکدیگر ارتباط دارند. اگرچه ارتباطات به‌صراحت به‌عنوان یکی از ابعاد تاب‌آوری طبقه‌بندی نشده، پاسخ‌دهی بیشتر پدر با گشودگی و احساس امنیت روان‌شناختی در تعاملات خانوادگی ارتباط دارد.

گفتگوی پدر درباره موضوعات پیچیده ای مانند نژاد، گرایش جنسی و رفتارهای پرخطر با پیامدهای محافظت کننده برای تاب آوری خانواده ارتباط دارد (کالدول و همکاران، ۲۰۱۴). چنین ارتباط باز و صریحی به پدران امکان می دهد انتظارات و ارزش های اساسی خود را به عنوان معیارهایی برای رفتار مطلوب به فرزندان منتقل کنند. این تعاملات با اعتماد و حمایت متقابل بیشتر همراه است. این مطالعه نشان می دهد گفتگوهای ساختاریافته میان پدر و کودک با بهبود کیفیت ارتباطات ارتباط دارد.

فیگن و همکاران (۲۰۲۵) گزارش کردند که کیفیت تعاملات پدر-کودک با رفتار نوجوان و شبکه گسترده تر خانواده ارتباط دارد. مشارکت با کیفیت تر پدر با شایستگی های ارتباطی بهتر، از جمله خودتنظیمی، همراه است.

فیتزجرالد و همکاران (۲۰۲۱) بیان کردند که نقش پدر بر پویایی های خانواده تأثیر می گذارد، اگرچه آن ها به صراحت به نظام باورهای خانواده اشاره نکرده اند. چندین مطالعه نیز آسیب شناسی روانی پدر را با استرس و پیامدهای منفی در کودکان، مانند اختلالات هیجانی و اختلالات روانی در دوران نوزادی مرتبط دانسته اند. پژوهشگران دیگری نیز عواملی را که بر تاب آوری خانواده تأثیر می گذارند، بررسی کرده اند؛ از جمله حساسیت پدر در تعامل با کودک، باورهای فرهنگی و حمایت رفتاری مادران. این عوامل موجب افزایش تعاملات در روابط پدر-کودک و بهبود رشد کودک می شوند. در مجموع، یافته ها نشان می دهد حساسیت بیشتر پدر و مشارکت حمایتگرانه او با الگوهای سالم تر ارتباطی در خانواده و ارزش های مشترک معطوف به تاب آوری ارتباط دارند، اگرچه این عوامل در مطالعات اصلی به صراحت در قالب ابعاد فرایندهای ارتباطی یا نظام باورها طبقه بندی نشده اند.

خانواده هایی که پدر در آن ها زندانی است، با وجود دشواری های خود، خوش بینی پایداری دارند و باور دارند که فرزندان شان همچنان می توانند به موفقیت دست یابند (مونتتر و چارلز، ۲۰۲۳). زندانی شدن پدر به دلیل اختلال در تعاملات، با بهزیستی هیجانی کودکان ارتباط دارد. با این حال، حفظ ارتباطات باز و صریح در دوران حبس و پس از آن با فرایندهای تاب آوری همراه است.

به همین ترتیب، مطالعه ری و همکاران (۲۰۲۱) رابطه میان مشکلات اقتصادی، استرس فرزندپروری، تجارب نامطلوب دوران کودکی و مشکلات رفتاری کودکان را در نمونه ای متشکل از ۸۰۰ مادر سیاه پوست ازدواج نکرده و فرزندان آن ها بررسی کرد. در این مطالعه، یک مدل معادلات ساختاری شامل شاخص های مشارکت پدر غیرهمخانه، از جمله تماس، مشارکت مالی، حمایت عملی و هموالدی، آزمون شد. در این مدل، هموالدی شامل سه شاخص بود که تمایل و توانایی پدران برای برقراری ارتباط با مادران درباره فرزندپروری و همچنین واگذاری تصمیم های فرزندپروری از سوی مادران به آن ها را منعکس می کند. همان گونه که انتظار می رفت، مشارکت بیشتر پدر به طور مستقیم با مشکلات اقتصادی و استرس فرزندپروری مادران و همچنین تعداد تجارب نامطلوبی که کودک تجربه کرده بود، ارتباط داشت. علاوه بر این، مشارکت پدر با کاهش مشکلات رفتاری کودکان در دوره میانی کودکی و نوجوانی همراه بود؛ بنابراین، اگرچه نتایج این مطالعه در چارچوب فرایندهای ارتباطی بیان نشده اند، نشان می دهند ارتباط میان والدین درباره فرزندپروری و تربیت کودک می تواند به عنوان فرایندی محافظت کننده در برابر مشکلات رفتاری کودکان عمل کند یا به بیان کوتاه تر، بخشی از فرایند تاب آوری باشد. در نتیجه، در چارچوب والش، این تعامل حمایتگرانه در فرایند هموالدی را می توان فرایندی حیاتی از تاب آوری مبتنی بر ارتباطات دانست که کودکان را در برابر آثار بلندمدت دشواری ها و شرایط نامطلوب محافظت می کند.

۳-۳. رابطه میان مشارکت پدر و نظام باورهای خانواده

از دیدگاه والش، نظام باورهای خانواده به ارزش ها، باورها و معانی مشترکی اشاره دارد که نحوه واکنش خانواده به عوامل استرس زا و بحران ها را شکل می دهند. پنج مطالعه رابطه میان مشارکت پدر و بعد نظام باورهای خانواده را گزارش کرده اند. اگرچه پژوهش آیکینز و راتنر (۲۰۱۷) به صراحت از اصطلاح نظام باورهای خانواده^۱ استفاده نکرده است، اما ارتباط نزدیکی میان مشارکت پدر و باورهای بنیادی خانواده درباره تاب آوری، مقابله و نظام های حمایتی برقرار می کند. مقاله آن ها بر نقش روابط

والد-کودک به عنوان عوامل تعدیل‌کننده خطر در اوایل کودکی تأکید دارد و نشان می‌دهد شکل‌گیری مشترک فرایندهای تنظیمی چگونه به تقویت تاب‌آوری کمک می‌کند.

سپس کالدول و همکاران (۲۰۱۴) گروهی از پسران آفریقایی‌تبار غیرهمخانه در محدوده سنی هشت تا دوازده سال را بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد پدران می‌توانند با بیان روشن انتظارات خود درباره دوری از خشونت و کاهش رفتارهای پرخطرانه، به شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای پسرانشان جهت دهند. چنین گفتگوهایی در شکل‌گیری نظام باورهای تاب‌آورانه خانواده نقش مهمی دارند؛ زیرا پدران اصولی را الگو قرار می‌دهند که در چارچوب شناختی پسران برای تصمیم‌گیری درونی می‌شوند و آن‌ها را به سمت رفتارهای سازنده هدایت می‌کنند.

مقاله فیگن و همکاران (۲۰۲۵) نیز ممکن است این بعد را به‌طور مشخص نظام باورهای خانواده نام‌گذاری نکرده باشد. با این حال، این مطالعه به چگونگی تأثیر مشارکت پدر بر ادراک کودکان و ارزش‌های گسترده‌تر آن‌ها درباره رفتار و نحوه مقابله با چالش‌ها می‌پردازد. یافته‌ها بر اهمیت پرداختن هرچه زودتر به عوامل خطر تأکید دارند تا احتمال درگیر شدن کودکان در رفتارهای بزهکارانه کاهش یابد.

مقاله فیتزجرالد و همکاران (۲۰۲۱) نیز به چندین مطالعه اشاره کرده است که بر آثار منفی آسیب‌شناسی روانی و استرس پدر بر پیامدهای نامطلوب برای کودکان تمرکز داشتند؛ درحالی‌که مطالعات دیگر عواملی را شناسایی کرده‌اند که تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کنند، از جمله حساسیت و باورهای فرهنگی که تعاملات مثبت و رشد مطلوب کودک را تقویت می‌کنند. تمامی این موارد با ارزش‌ها، هنجارها و چارچوب‌های فرهنگی مرتبط هستند که تعاملات درون خانواده را هدایت می‌کنند.

مونتسر و چارلز (۲۰۲۳) نظام باورهای خانواده را با تاب‌آوری مرتبط می‌دانند و بر این نکته تأکید می‌کنند که ارزش‌های مشترک می‌توانند از شدت دشواری‌ها بکاهند. پژوهش میدانی آن‌ها در میان خانواده‌هایی که با حبس پدر مواجه بودند، نوعی خوش‌بینی غیرمنتظره را نشان داد؛ به گونه‌ای که حتی با وجود زندانی بودن یکی از والدین، بسیاری از اعضای خانواده اطمینان داشتند که فرزندانشان همچنان می‌توانند مسیرهایی برای دستیابی به موفقیت پیدا کنند. گفتگوها نشان داد پدران متعهد شده بودند پس از آزادی، مهارت‌های شغلی خود را دوباره بیاموزند و برای حمایت از نسل بعدی، از مصرف مواد دور بمانند. در مرکز این دیدگاه، این باور اساسی قرار دارد که خانواده می‌تواند تقریباً هر دشواری‌ای را تحمل کند، به شرط آنکه از پیمان نانوشته و نامرئی میان اعضای خود دست نکشد.

۳-۴. جمع‌بندی کلی روابط

از میان هفت مطالعه بررسی شده، مشارکت پدر عمدتاً با الگوهای سازمانی و فرایندهای ارتباطی ارتباط داشت و ارتباط‌هایی نیز با نظام باورهای خانواده مشاهده شد که در شکل‌گیری سازگارانۀ معنا، خوش‌بینی مشترک و انتقال ارزش‌ها نمود پیدا می‌کرد. در زمینه نبود پدر یا زندانی شدن او، روابط منفی مشاهده شد که با کیفیت ارتباطات و ثبات روال‌های خانوادگی ارتباط داشت. در برخی موارد، ابعاد تاب‌آوری خانواده از طریق سنتز تفسیری و براساس چارچوب والش (۲۰۰۶) شناسایی شدند، نه از طریق نام‌گذاری صریح آن‌ها در مطالعات اصلی. در مجموع، یافته‌ها به‌طور مستمر نشان می‌دهند میان مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده رابطه‌ای ارتباطی عمدتاً از نوع همبستگی وجود دارد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه اصطلاح تاب‌آوری خانواده^۱ در مطالعات بررسی شده یکسان به کار نرفته است، سازه‌های مرتبط با آن الگوهای رابطه‌ای مشابهی را نشان می‌دهند. این مرور، ارتباطی پایدار میان مشارکت پدر و سه بعد اصلی تاب‌آوری خانواده، شامل الگوهای سازمانی، فرایندهای ارتباطی و نظام باورهای خانواده نشان داد. یافته‌های این مطالعه بر چارچوب مفهومی تاب‌آوری خانواده والش (۲۰۰۳)، (۲۰۰۶) استوار است؛ چارچوبی که تاب‌آوری را فرایندی پویا و متغیر می‌داند که از تعامل میان اعضای خانواده شکل می‌گیرد و خانواده را قادر می‌سازد به بحران‌ها و شرایط نامطلوب پاسخ دهد. از این منظر، مشارکت پدر در زندگی فرزندان و خانواده را می‌توان به عنوان

یکی از منابع خانواده در نظر گرفت. این منبع رابطه‌ای می‌تواند فرایندهای سازگاری خانواده را در سه بعد اصلی الگوهای سازمانی، فرایندهای ارتباطی و نظام باورهای خانواده فعال کند و تداوم بخشد. کابررا و همکاران (۲۰۰۰) دریافتند که مشارکت پدر در فعالیت‌های خانواده، در طول زمان، اثری زنجیره‌ای بر کل خانواده و رشد کودکان دارد؛ بنابراین، نقش و مشارکت پدر در فرایندهای سازگاری خانواده به صورت نظام‌مند با سایر فرایندهای خانوادگی درهم‌تنیده است.

سه بعد مشارکت پدر که لمب و همکاران (۱۹۸۵) تعریف کرده‌اند، می‌توانند با سه بعد تاب‌آوری در چارچوب والش (۲۰۰۶) تلفیق شوند. نخستین بعد مشارکت پدر، یعنی درگیری، به تعامل مستقیم پدر با فرزندان اشاره دارد. این بعد بیش از همه با فرایندهای ارتباطی توصیف‌شده در چارچوب والش ارتباط دارد. دومین بعد، یعنی در دسترس بودن، به حضور و دسترسی جسمانی و روان‌شناختی پدر برای فرزندان اشاره می‌کند. این بعد از مشارکت پدر، بعد سازمانی مدل والش را تقویت می‌کند؛ زیرا هم به ثبات روال‌های خانوادگی کمک می‌کند و هم انعطاف‌پذیری در سازمان‌دهی نقش‌های پدر را افزایش می‌دهد. سومین بعد مشارکت پدر، یعنی مسئولیت‌پذیری، به مدیریت و برنامه‌ریزی برای نیازهای کودکان و برنامه‌ریزی‌های لازم در این زمینه اشاره دارد. این بعد از مشارکت پدر با نظام باورهای خانواده ارتباط دارد؛ زیرا پدران و فرزندان از طریق انتقال ارزش‌ها و ایجاد و به اشتراک گذاشتن معنا، به شکل‌گیری جهت‌گیری‌های سازگارانۀ برای مقابله با شرایط دشوار می‌پردازند. همخوانی میان این سه بعد، چارچوبی منسجم از نظر نظری برای تفسیر یافته‌های این مرور فراهم می‌کند.

مطالعات تجربی جدیدتری نیز که در دهه گذشته منتشر شده‌اند، ارتباط میان مشارکت پدر و پیامدهای مثبت برای کودک و خانواده را گزارش کرده‌اند؛ از جمله پیشرفت بالینی کودکان در هر جلسه درمان (بگنر و آیرگ، ۲۰۱۰؛ جوادی و همکاران، ۲۰۲۰). براین اساس، حمایت مستمر با تاب‌آوری خانواده ارتباط دارد. حمایت هیجانی پدران و مشارکت مالی آنان در خانواده با رشد کودکان مرتبط است. افزون بر این، این عوامل با آمادگی بیشتر والدین برای مواجهه با موقعیت‌های پیش‌بینی‌نشده نیز دارای ارتباط هستند. توانمندی‌های پدر با تاب‌آوری خانواده و سازگاری آن در مواجهه با استرس مرتبط است (برودی و سیمونز، ۲۰۰۷). این یافته‌ها با مطالعات پیشین همسو هستند که نشان می‌دهند مشارکت پدر به عنوان یک منبع حمایتی در روابط خانوادگی عمل می‌کند، نه اینکه به تنهایی و به عنوان یک عامل علی منفرد، پیامدهای تاب‌آوری را تعیین کند.

مطالعات بررسی‌شده در این مرور همچنین از الگوهای سازمانی مطرح‌شده توسط والش (۲۰۰۶) درباره مشارکت پدر در خانواده حمایت می‌کنند. بوکنک و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند مشارکت پدران در بازی‌های فعال روزمره با فرزندانشان با ویژگی‌هایی از محیط خانه، از جمله ثبات و قابل‌پیش‌بینی بودن، ارتباط دارد و این ویژگی‌ها نیز به توانایی کودکان برای سازگاری با موقعیت‌های در حال تغییر کمک می‌کنند. در مقابل، نبود پدر در خانواده‌های تک‌مادر با اختلال در روال‌های خانه و نبود ساختار مشخص در نقش‌ها همراه است. در مقابل، بازگشت پدر به خانواده با سازمان‌دهی مجدد سازگارانۀ ساختارهای خانواده ارتباط دارد (موئنتر و چارلز، ۲۰۲۳)؛ بنابراین، مشارکت پدران در خانواده با سازمان‌دهی ساختاری خانواده ارتباط دارد و می‌توان آن‌ها را نوعی تکیه‌گاه ساختاری در خانواده دانست. حضور منظم پدر از نظم و انعطاف‌پذیری حمایت می‌کند؛ ویژگی‌هایی که از شاخصه‌های الگوی سازمانی خانواده‌های دارای ویژگی‌های ساختاری تاب‌آور هستند و والش (۲۰۰۶) به آن‌ها اشاره کرده است. از دیدگاه نظام‌مند، پدران مشارکت‌کننده از سلسله‌مراتب و نقش‌ها در خانواده حمایت می‌کنند و از این طریق به خانواده امکان می‌دهند در زمان‌های پراسترس، سازگارانۀ خود را سازمان‌دهی مجدد کنند (والش، ۲۰۰۶).

در میان سه بعد مورد بررسی، فرایندهای ارتباطی در مطالعات مرور شده، برجسته‌ترین حوزه مرتبط با مشارکت پدر بودند. مشارکت فعال پدر در گفتگوها، بیان هیجان‌ها و فرایند هدایت کودکان با توانایی خانواده برای سازگاری، بازایی و تقویت خود ارتباط دارد. پژوهش‌های دیگر نیز نشان داده‌اند که گفتگوهای ساختاریافته با کودکان درباره موضوعات حساسی مانند نژاد، خشونت و سایر رفتارهای پرخطر می‌تواند تأثیرات مثبتی بر اعضای خانواده و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر داشته باشد. کالدول و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند هرچه پدران بیشتر درباره این موضوعات با فرزندان خود گفتگو می‌کنند، انسجام خانواده و کیفیت ارتباطات بیشتر است. مشارکت پدران در تعاملات والد-کودک نیز تأثیرات مثبتی بر رشد اجتماعی و هیجانی کودکان دارد (آیکینز و راتنر، ۲۰۱۷). رشد مثبت اجتماعی و هیجانی کودکان نیز به نوبه خود با طیف متنوعی از پیامدهای مثبت برای کودکان و خانواده‌ها ارتباط دارد؛ برای

مثال، والش (۲۰۰۶) اشاره کرده است که رشد مثبت اجتماعی و هیجانی کودکان با ارتباطات تاب‌آورانه دارای ارتباط است؛ ارتباطاتی که با وضوح و جهت‌گیری به‌سوی حل مشارکتی مسائل مشخص می‌شوند. نکته مهم آن است که فرایندهای توصیف‌شده در بالا به رابطه دوفره میان پدر و کودک محدود نمی‌شوند، بلکه بخشی از یک نظام خانوادگی گسترده‌تر هستند. هنگامی که پدران به شیوه‌ای مثبت با فرزندان خود ارتباط برقرار می‌کنند، به شکل‌گیری روایت مشترک خانواده از تاب‌آوری^۱ کمک می‌کنند؛ یعنی نوعی جهت‌گیری خانواده به‌سوی گشودگی، حمایت‌گری و معنا بخشیدن به تجربه‌ها در مواجهه با شرایط دشوار.

بعد نظام باورهای خانواده در میان مطالعات بررسی‌شده، کمترین میزان توجه صریح را به خود اختصاص داده است. بااین‌حال، یافته‌های مربوط به این بعد به چند نتیجه مهم اشاره دارند. کالدول و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند پدران دارای پسر، فعالانه ارزش‌ها را به فرزندان خود آموزش می‌دهند و در این زمینه از ارتباط بدون خشونت و آموزش اخلاقی استفاده می‌کنند؛ رویکردی که با دیدگاه والش (۲۰۰۶) همسو است. والش نظام باورهای خانواده را چارچوب خانواده برای معنابخشیدن به تجربه‌ها یا مقابله با شرایط توصیف کرده است. خانواده‌هایی که پدرانشان در زندان بودند، درمورد آینده فرزندان خود خوش‌بینی مشترکی را حفظ کرده‌اند. آنان باور دارند که فرزندانشان حتی در مواجهه با دشواری‌های ناشی از زندانی‌شدن پدر نیز قادر به دستیابی به اهداف خود هستند (موئنتر و چارلز، ۲۰۲۳).

این نظام باورهای معطوف به تاب‌آوری، بعدی اساسی برای مقابله خانواده با دشواری‌ها و حفظ عملکرد کلی آن به‌شمار می‌رود. پدران علاوه بر آموزش مستقیم ارزش‌ها به فرزندان، از طریق حضور یا غیبت خود نیز به‌صورت نمادین در شکل‌گیری نظام باورهای خانواده نقش دارند. مشارکت پدر در زندگی فرزندان این پیام را به خانواده منتقل می‌کند که اعضای خانواده می‌توانند در کنار یکدیگر با چالش‌ها مواجه شوند و برای پشت‌سرگذاشتن شرایط دشوار، از شیوه‌های مختلف مقابله استفاده کنند (فیتزجرالد و همکاران، ۲۰۲۱). کم‌رنگ‌بودن این بعد از نظام خانواده در مطالعات بررسی‌شده، احتمالاً از آنجا ناشی می‌شود که پژوهشگران در مطالعات مربوط به تاب‌آوری خانواده، بیشتر بر جنبه‌های قابل‌مشاهده رفتار انسان تمرکز می‌کنند. در مقابل، ابعاد مورد مطالعه تاب‌آوری خانواده ماهیتی درونی‌تر و معنماحورتر دارند و از این‌رو، بررسی چگونگی نقش پدران در فرایند معنابخشیدن خانواده به تجربه‌ها، به پژوهش‌های کیفی یا پژوهش‌هایی با روش‌های ترکیبی نیاز دارد.

این مرور، شواهد جدیدی در حمایت و گسترش چارچوب تاب‌آوری خانواده والش (۲۰۰۳، ۲۰۰۶) ارائه می‌کند. به‌طور مشخص، شواهد تجربی از نقش اساسی مشارکت پدر در سه بعد اصلی تاب‌آوری خانواده به‌دست آمد؛ نقشی که مشارکت پدر را نه به‌عنوان یک متغیر زمینه‌ای یا صرفاً یکی دیگر از اعضای خانواده، بلکه به‌عنوان فرایندی رابطه‌ای و فعال در نظر می‌گیرد. به بیان دیگر، پدران نه صرفاً مراقبت‌کنندگان ثانویه از کودکان و نه اعضای حاشیه‌ای در نظام خانواده، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از سازمان یا نظام خانواده هستند و حضور آنان توانایی خانواده را برای سازگاری با طیف گسترده‌ای از عوامل استرس‌زا و چالش‌ها افزایش می‌دهد. این نگاه به مشارکت پدر به‌عنوان یک خرده‌نظام درون نظام گسترده‌تر خانواده، با دیدگاه برونفن‌برنر (۱۹۸۶) درباره رابطه پدر و کودک به‌عنوان یک فرایند نزدیک و مستقیم همخوان است؛ فرایندی که می‌تواند درون نظام خرد خانواده، نیروی قابل‌توجهی برای رشد ایجاد کند.

تعداد اندکی از مطالعاتی که نبود مشارکت پدر را، چه در پی طلاق، تک‌والدی، زندانی‌شدن و موارد مشابه، بررسی کرده‌اند (موئنتر و چارلز، ۲۰۲۳؛ ری و همکاران، ۲۰۲۱) نشان داده‌اند در صورت نبود پدر در خانواده، ثبات سازمانی یا سازمان‌دهی مجدد خانواده، کیفیت ارتباطات و مقابله مبتنی بر باورها، همگی کاهش می‌یابند. این یافته‌ها از نقش مشارکت پدر به‌عنوان یک منبع رابطه‌ای حمایت می‌کنند. به این معنا که حضور و مشارکت فعال پدر می‌تواند تأثیرات مثبتی بر توانایی خانواده برای سازگاری با عوامل استرس‌زا داشته باشد؛ درحالی‌که کناره‌گیری یا نبود او می‌تواند پیامدهایی منفی برای خانواده داشته باشد؛ بنابراین، یافته‌های این مرور از مشارکت پدر به‌عنوان مؤلفه‌ای دارای اهمیت ساختاری در فرایندهای تاب‌آوری خانواده حمایت می‌کنند. از نظر کاربردی، یافته‌ها نشان می‌دهد مداخلات مبتنی بر خانواده، برنامه‌های فرزندپروری و سیاست‌های اجتماعی باید پدران را به‌عنوان

مشارکت‌کنندگان فعال در تقویت فرایندهای تاب‌آوری در نظر بگیرند؛ به‌ویژه در زمینه تقویت ارتباطات، معنابخشیدن مشترک به تجربه‌ها و سازمان‌دهی انعطاف‌پذیر نقش‌ها در خانواده.

این مطالعه با چند محدودیت همراه است. نخست، این مرور تعداد نسبتاً محدودی از مطالعات واجد شرایط را شامل می‌شود. با این حال، این مسئله بیش از آنکه ناشی از کاستی روش‌شناختی باشد، بازتاب‌دهنده هم‌پوشانی محدود میان مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده در پژوهش‌های روان‌شناختی طی دوره مورد نظر است. شایان توجه است که برای سنتر کیفی شواهد، وجود شش تا چهارده مطالعه، تعداد مناسب و قابل اجرا در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا این تعداد امکان دستیابی به عمق مفهومی کافی را بدون به‌خطرانداختن دقت تحلیلی فراهم می‌کند (بوث^۱، ۲۰۱۶). با این حال، تعداد محدود مطالعات وارد شده به مرور به این معنا است که تعمیم‌پذیری یافته‌ها همچنان محدود است و این یافته‌ها باید با احتیاط تفسیر شوند.

دوم، تنوع روش‌شناختی میان مطالعات وارد شده ممکن است مقایسه مستقیم یافته‌ها را محدود کند. سوم، محدود کردن معیار ورود به مطالعات منتشر شده به زبان انگلیسی ممکن است موجب حذف مطالعات مرتبطی شده باشد که به زبان‌های دیگر منتشر شده‌اند. افزون بر این، استفاده از دو عبارت جستجوی مشخص، ناگزیر مستلزم ایجاد نوعی موازنه میان دقت مفهومی و گستره بازایی منابع بوده است. به این معنا که ممکن است مطالعاتی که سازه‌های مشابه را با اصطلاحات متفاوت بررسی کرده‌اند، شناسایی نشده باشند (هیگینز و همکاران^۲، ۲۰۲۰). همچنین غلبه زمینه‌های فرهنگی غربی در مطالعات وارد شده ممکن است کاربردپذیری یافته‌ها را برای خانواده‌های غیرغربی محدود کند؛ بنابراین، پژوهش‌های آینده باید برای رفع این محدودیت‌ها و افزایش تعمیم‌پذیری یافته‌ها در این حوزه، منابع چندزبانه، پوشش گسترده‌تر پایگاه‌های اطلاعاتی و نمونه‌هایی با تنوع فرهنگی بیشتر را در نظر بگیرند.

این مطالعه پویایی‌های مشارکت پدر و تاب‌آوری خانواده را در طول دهه گذشته ترکیب و جمع‌بندی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد مشارکت پدر با جنبه‌های کلیدی سه بعد تاب‌آوری خانواده ارتباط دارد و نقش آن را به‌عنوان مؤلفه‌ای جدایی‌ناپذیر از عملکرد سازگارانۀ خانواده برجسته می‌کند. این مرور به مجموعه روبه‌رشدی از مطالعات می‌افزاید که نشان می‌دهند پدران نباید صرفاً به‌عنوان اعضای ثانویه در خانواده در نظر گرفته شوند، بلکه باید آنان را شرکای رابطه‌ای مرتبط با مدیریت بحران و سازگاری خانواده دانست. مشارکت بیشتر پدر با پاسخ‌های سازگارانۀ خانواده به عوامل استرس‌زای اقتصادی و روان‌شناختی و همچنین با بهزیستی مادر و رشد کودک ارتباط دارد.

از نظر کاربردی، این یافته‌ها نشان می‌دهد مداخلات روانی-اجتماعی و برنامه‌های خانواده باید پدران را به‌عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در فرایند حمایت و مداخله وارد کنند و صرفاً بر رابطه مادر و کودک تمرکز نداشته باشند. پژوهش‌های آینده باید سازوکارهای ارتباط‌دهنده مشارکت پدر با ابعاد تاب‌آوری خانواده را با دقت بیشتری بررسی کنند، به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی شرقی، و برای افزایش تعمیم‌پذیری یافته‌ها از شواهدی با تنوع فرهنگی و زبانی بیشتر استفاده کنند.

۵. ملاحظات اخلاقی

این مطالعه در تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۲۵ از کمیته اخلاق پژوهشی دانشگاه اوتارا مالزی در مالزی، با شماره UUM/CAS/AHSGS/E-5، تأییدیه اخلاقی دریافت کرد.

۶. سیاست‌گذاری و حمایت مالی

نویسندگان از دانشکده روان‌شناسی کاربردی، مددکاری اجتماعی و سیاست‌گذاری و همچنین دانشکده تحصیلات تکمیلی علوم انسانی و هنرهای آوانگ حد صالح دانشگاه اوتارا مالزی، به‌دلیل فراهم کردن امکانات مورد نیاز، حمایت‌های اداری و ایجاد محیطی پژوهشی و مشوق که انجام این مطالعه را امکان‌پذیر کرد، صمیمانه قدردانی می‌کنند. این تحقیق حمایت مالی‌ای از سوی سازمان و یا نهادهای دریافت نکرده است.

1. Booth

2. Higgins et al.

۷. تعارض منافع

در این مطالعه هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

جوادی، ف.، حسن زاده، س.، افروز، غ.، و قاسم زاده، س. (۱۳۹۹). تأثیر برنامه درمانی مبتنی بر تعامل والد کودک (PCIT) بر رابطه خانواده با کودکان دارای اختلال طیف اوتیسم. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۱۱(۳)، ۳۷-۵۴.
<https://doi.org/10.22059/japr.2020.265071.642963>

References

- Aikins, J. W., & Ratner, H. H. (2017). Introduction to this MPQ special issue. *Merrill-Palmer Quarterly*, 63(1), 1–8. <https://doi.org/10.13110/merrpalmquar1982.63.1.0001>
- Aveyard, H. (2023). *Doing a literature review in health and social care a practical guide* (Fifth edition.). McGraw Hill. <https://ebookcentral.proquest.com/lib/ed/detail.action?docID=30455029>
- Ajzen, I., & Fishbein, M. (1980). *Understanding attitudes and predicting social behavior*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall
- Bagner, D. M., & Eyberg, S. M. (2010). Father involvement in parent training: When does it matter? *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 32(4), 599–605. https://doi.org/10.1207/S15374424JCCP3204_13
- Bethell, C. D., Gombojav, N., & Whitaker, R. C. (2019). Family resilience and connection promote flourishing among US children, even amid adversity. *Health Affairs*, 38(5), 729–737. <https://doi.org/10.1377/hlthaff.2018.05425>
- Bezrukova, O. N., & Samoylova, V. A. (2023). Father absence in young russian families raising children with disabilities. *Woman in Russian Society*, 4, 96–112. <https://doi.org/10.21064/WinRS.2023.4.8>
- Bezrukova, O. N., & Samoylova, V. A. (2024). How to support fathers and families raising children with disabilities? *The Journal of Social Policy Studies*, 22(2), 299–318. <https://doi.org/10.17323/727-0634-2024-22-2-299-318>
- Bocknek, E. L., Dayton, C., Raveau, H. A., ... & Fitzgerald, H. E. (2017). Routine active playtime with fathers is associated with self-regulation in early childhood. *Merrill-Palmer Quarterly*, 63(1), 105–134. <https://doi.org/10.13110/merrpalmquar1982.63.1.0105>
- Booth, A. (2016). Searching for qualitative research for inclusion in systematic reviews: A structured methodological review. *Systematic Reviews*, 5, 74. <https://doi.org/10.1186/S13643-016-0249-X>
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss. Vol. 2: Separation: anxiety and anger*. New York, NY: Basic Books.
- Brody, A. C., & Simmons, L. A. (2007). Family resiliency during childhood cancer: The father's perspective. *Journal of Pediatric Oncology Nursing*, 24(3), 152–165. <https://doi.org/10.1177/1043454206298844>
- Bronfenbrenner, U. (1986). Ecology of the family as a context for human development. research perspectives. *Developmental Psychology*, 22(6), 723–742. <https://doi.org/10.1037/0012-1649.22.6.723>
- Cabrera, N. J. (2020). Father involvement, father-child relationship, and attachment in the early years. *Attachment & Human Development*, 22(1), 134–138. <https://doi.org/10.1080/14616734.2019.1589070>
- Cabrera, N. J., Tamis-Lemonda, C. S., Bradley, R. H., Hofferth, S., & Lamb, M. E. (2000). Fatherhood in the Twenty-First Century. *Child Development*, 71(1), 127–136. <https://doi.org/10.1111/1467-8624.00126>
- Caldwell, C. H., Antonakos, C. L., Assari, S., Kruger, D., De Loney, E. H., & Njai, R. (2014). Pathways to prevention: Improving nonresident African American fathers' parenting skills and

- behaviors to reduce sons' aggression. *Child Development*, 85(1), 308–325. <https://doi.org/10.1111/cdev.12127>
- Critical Appraisal Skills Programme. (2018). *CASP qualitative studies checklist*. <https://casp-uk.net/casp-tools-checklists/>
- Diniz, E., Brandão, T., Monteiro, L., & Veríssimo, M. (2021). Father involvement during early childhood: A systematic review of the literature. *Journal of Family Theory & Review*, 13(1), 77–99. <https://doi.org/10.1111/jftr.12410>
- Evans, D. K., & Jakiela, P. (2025). The Role of fathers in promoting early childhood development in low- and middle-income countries: A review of the evidence. *The World Bank Research Observer*, 40(2), 211–228. <https://doi.org/10.1093/WBRO/LKAE009>
- Fagan, J., Cabrera, N., & Kobulsky, J. (2025). Longitudinal associations between early risk and adolescent delinquency: Mediators, moderators, and main effects. *Development and Psychopathology*, 37(1), 192–206. <https://doi.org/10.1017/S0954579423001517>
- Feldman, R. (2023). Father contribution to human resilience. *Development and Psychopathology*, 35(5), 2402–2419. <https://doi.org/10.1017/S0954579423000354>
- Fitzgerald, H. E., Robinson, L. R., Cabrera, N., & Segal, L. (2021). Fathers and families: Risk and resilience. An introduction. *Adversity and Resilience Science*, 2(2), 63–69. <https://doi.org/10.1007/s42844-021-00039-5>
- Garcia, I. L., Fernald, L. C. H., ... & Luoto, J. E. (2022). Father involvement and early child development in a low-resource setting. *Social Science and Medicine*, 302, 114933. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2022.114933>
- Han, S., Palermo, F., & Rudy, D. (2025). Stressful family life events and father involvement in Korean children's sociobehavioral health. *Journal of Family Psychology*, 39(1), 43–53. <https://doi.org/10.1037/FAM0001272>
- Henry, C. S., Morris, A. S., & Harrist, A. W. (2015). Family resilience: Moving into the third wave. *Family Relations*, 64(1), 22–43. <https://doi.org/10.1111/fare.12106>
- Higgins, J. P. T., Thomas, J., ... & Welch, V. A. (2019). *Cochrane Handbook for Systematic Reviews of Interventions* (2nd ed.). Wiley-Blackwell. <https://doi.org/10.1002/9781119536604>
- Izumi, M., & Gullón-Rivera, A. L. (2018). Family resilience among sojourning Japanese mothers: Links to marital satisfaction and children's behavioral adjustment. *Family and Consumer Sciences Research Journal*, 46(3), 282–296. <https://doi.org/10.1111/fcsr.12247>
- Javadi, F., Hassanzadeh, S., Afrooz, G. A., & Ghasemzadeh, S. (2020). The effectiveness of parent-child interaction therapy (PCIT) on the relationship between children with autism spectrum disorder and their families. *Journal of Applied Psychological Research*, 11(3), 37–54. <https://doi.org/10.22059/JAPR.2020.265071.642963> (In Persian)
- Lamb, M. E., Pleck, J. H., Charnov, E. L., & Levine, J. A. (1985). Paternal behavior in humans. *American Zoologist*, 25(3), 883–894. <https://doi.org/10.1093/icb/25.3.883>
- Lappegård, T., & Kornstad, T. (2020). Social norms about father involvement and women's fertility. *Social Forces*, 99(1), 398–423. <https://doi.org/10.1093/sf/soz124>
- Lietz, C. A., Julien-Chinn, F. J., Geiger, J. M., & Hayes Piel, M. (2016). Cultivating resilience in families who foster: Understanding how families cope and adapt over time. *Family Process*, 55(4), 660–672. <https://doi.org/10.1111/famp.12239>
- Liu, Y., Guo, M., Dittman, C. K., Zheng, Y., & Haslam, D. M. (2025). A qualitative study of father involvement with their young children in mainland China. *Frontiers in Psychology*, 16, 1542136. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1542136>
- Long, H. A., French, D. P., & Brooks, J. M. (2020). Optimising the value of the critical appraisal skills programme (CASP) tool for quality appraisal in qualitative evidence synthesis. *Research Methods in Medicine & Health Sciences*, 1(1), 31–42. <https://doi.org/10.1177/2632084320947559>
- Macphee, D., Lunkenheimer, E., & Riggs, N. (2015). Resilience as regulation of developmental and family processes. *Family Relations*, 64(1), 153–175. <https://doi.org/10.1111/fare.12100>

- Mallette, J. K., O'Neal, C. W., Winkelman Richardson, E., & Mancini, J. A. (2020). When Fathers are involved: examining relational and psychosocial health among military families. *Family Process*, 60(2), 602–622. <https://doi.org/10.1111/famp.12566>
- Mao, S., Lu, H., Zhang, Y., ... Peng, J., & Liang, Y. (2021). Evaluation of psychosocial pathways to family adaptation of Chinese patients with liver cancer using the McCubbin's family resilience model. *Frontiers in Psychiatry*, 12, 703137. <https://doi.org/10.3389/fpsy.2021.703137>
- Masten, A. S. (2018). Resilience theory and research on children and families: Past, present, and promise. *Journal of Family Theory & Review*, 10(1), 12–31. <https://doi.org/10.1111/jftr.12255>
- McLoyd, V. C. (1990). The impact of economic hardship on black families and children: Psychological distress, parenting, and socioemotional development. *Child development*, 61(2), 311–346. <https://doi.org/10.1111/j.1467-8624.1990.tb02781.x>
- Muentner, L., & Charles, P. (2023). Family reunification after fathers are released from prison: Perspectives on children's adjustment. *Family Relations*, 72(3), 1068–1087. <https://doi.org/10.1111/fare.12739>
- Nichols, V. P., Toye, F., Eldabe, S., ... & Seers, K. (2020). Experiences of people taking opioid medication for chronic non-malignant pain: A qualitative evidence synthesis using meta-ethnography. *BMJ Open*, 10(2), e032988. <https://doi.org/10.1136/bmjopen-2019-032988>
- Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J. (2017). Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria. *International Journal of Qualitative Methods*, 16(1), 1–13. <https://doi.org/10.1177/1609406917733847>
- Opoku, M., Mohamed, A., Almarzooqi, S., & Cheikhmous, A. (2025). The extent and predictors of fathers' involvement in the raising of children with autism spectrum disorder in the UAE. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 22(2), 300. <https://doi.org/10.3390/IJERPH22020300>
- Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., ... & Moher, D. (2021). The PRISMA 2020 statement: an updated guideline for reporting systematic reviews. *BMJ*, 372 N71. <https://doi.org/10.1136/BMJ.N71>
- Paquette, D., Carbonneau, R., Dubeau, D., Bigras, M., & Tremblay, R. E. (2003). Prevalence of father-child rough-and-tumble play and physical aggression in preschool children. *European Journal of Psychology of Education*, 18(2), 171–189. <https://doi.org/10.1007/bf03173483>
- Patterson, J. M. (2002). Understanding family resilience. *Journal of Clinical Psychology*, 58(3), 233–246. <https://doi.org/10.1002/jclp.10019>
- Pratiwi, A., Morawska, A., & Haslam, D. (2025). Father involvement in asian families: A systematic literature review. *Journal of Family Issues*, 47(3), 333–376. <https://doi.org/10.1177/0192513X251370678>
- Pruett, M. K., Cowan, P. A., Cowan, C. P., Gillette, P., & Pruett, K. D. (2019). supporting father involvement: An intervention with community and child welfare-referred couples. *Family Relations*, 68(1), 51–67. <https://doi.org/10.1111/fare.12352>
- Ray, J. A., Choi, J.-K., & Jackson, A. P. (2021). Adverse childhood experiences and behavior problems among poor black children: Nonresident father involvement and single mothers' parenting stress. *Child Abuse & Neglect*, 121, 105264. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2021.105264>
- Rezaeianjam, M., Khabazian, A., Khabazian, T., ... & Naderi, M. (2025). Efficacy of ozone therapy in dentistry with approach of healing, pain management, and therapeutic outcomes: A systematic review of clinical trials. *BMC Oral Health*, 25, 433. <https://doi.org/10.1186/S12903-025-05790-0>
- Rollè, L., Gullotta, G., Trombetta, T., ... & Caldarera, A. M. (2019). Father involvement and cognitive development in early and middle childhood: A systematic review. *Frontiers in Psychology*, 10, 02405. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.02405>
- Rutter, M. (1987). Psychosocial resilience and protective mechanisms. *The American Journal of Orthopsychiatry*, 57(3), 316–331. <https://doi.org/10.1111/j.1939-0025.1987.tb03541.x>

- Samerooff, A. J., & Mackenzie, M. J. (2003). Research strategies for capturing transactional models of development: The limits of the possible. *Development and Psychopathology*, 15(3), 613–640. <https://doi.org/10.1017/s0954579403000312>
- UNICEF. (2023). *The state of the world's children 2023: For every child, vaccination*. UNICEF Innocenti - Global office of research and foresight. <https://www.unicef.org/reports/state-worlds-children-2023>
- UNICEF. (2024). *The state of the world's children 2024: The future of childhood in a changing world*. <https://www.unicef.org/reports/state-of-worlds-children/2024>
- Volling, B. L., & Palkovitz, R. (2021). Fathering: New perspectives, paradigms, and possibilities. *Psychology of Men and Masculinity*, 22(3), 427–432. <https://doi.org/10.1037/men0000354>
- Walsh, F. (2003). Family resilience: A framework for clinical practice. *Family Process*, 42(1), 1–18. <https://doi.org/10.1111/j.1545-5300.2003.00001.x>
- Walsh, F. (2006). *Strengthening family resilience* (2nd ed.). New York: The Guilford Press. <https://psycnet.apa.org/record/2006-12492-000>
- Walsh, F. (2016). Applying a family resilience framework in training, practice, and research: Mastering the art of the possible. *Family Process*, 55(4), 616–632. <https://doi.org/10.1111/famp.12260>
- Yan, Y., Duan, X., Tan, Y., Wu, T., Yang, B. X., Luo, D., & Liu, L. (2025). The relationship between family functioning and depressive symptoms: Mediating effects of psychological resilience and parent-child interactions. *Journal of Affective Disorders*, 385, 119383. <https://doi.org/10.1016/J.JAD.2025.119383>